

رفیق یوسف آبخون

رفیق یوسف آبخون در سال 1337 در یک خانواده زحمتکش در شهر آمل به دنیا آمد. در کودکی پدر خود را از دست داد و برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده اش ناگزیر به کار شد. رفیق یوسف همراه با کار به تحصیلات خود ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم گردید و سپس وارد دانشگاه شد. سال های تحصیل در دانشگاه با سال های توفان انقلابی در کشور ما همراه گردید. از این پس رفیق یوسف تمام توان و انرژی و استعداد خود را در خدمت انقلاب قرار داد و تا آخرین لحظه زندگی فعالیت انقلابی و مبارزه در راه پیش برد اهداف انقلابی کارگران و زحمت کشان تنها حرفه او بود که به عنوان یک کادر انقلابی جنبش کمونیستی و سازمان ما با صداقت و انضباط فوق العاده آن را به پیش برد.

رفیق یوسف (محسن) از دوران دبیرستان و از سال های 55 به بعد به جنبش انقلابی روی آورد. در این دوره با محافل مترقی از هنرمندان سازمان چریک های فدائی خلق ارتباط یافت و از این طریق به فعالیت های آگاهگرانه علیه رژیم شاه پرداخت. با اعتلای انقلابی سال 56 در سازمان دهی مبارزات توده ای فعالانه شرکت نمود و یکی از عناصر اصلی در سازمان دهی شوراهای محلی و کمیته های آذوقه رسانی و نفت در شهر آمل بود. رفیق یوسف در جریان آزاد سازی شهر آمل توسط مردم نقش به سزائی داشت. بعد از قیام 22 بهمن سال 57 فعالیتش را با سازمان فدائی ادامه داد. پس از اعلام موجودیت راه کارگر در سال 58 به سازمان ما پیوست و یکی از اولین رفقائی بود که در شهر آمل و مازندران به سازمان دهی تبلیغات حول خط و برنامه سازمان ما پرداخت. رفیق یوسف با دقت و استعداد و انضباطی که داشت در بخش تدارکاتی به فعالیت پرداخت و بارها به دلیل شایستگی هائی که از خود نشان داد مورد تشویق سازمان قرار گرفت. رفیق در هر حوزه از فعالیت انقلابی خستگی نمی شناخت و او بود که بعد از هر روز کار طولانی و دشوار با دقت و نظم به سر و سامان دادن کارها می پرداخت، با دقت و هوشیاری و انضباطی که رفیق یوسف در این حوزه از فعالیتش داشت، وظیفه دشوارترین مأموریت های تدارکاتی تا سال 62 به عهده وی سپرده می شد و به جرأت می توان گفت که حتا در جزئی ترین

موارد غفلتی از خود نشان نداد، بدون تردید، بدون انضباط و دقت رفیق یوسف پیش برد بخش اعظم فعالیت های تدارکاتی سازمان ما در منطقه مازندران امکان پذیر نبود.

با شروع سرکوب وحشیانه رژیم در سال 60 ناگزیر به ترک منطقه گردید و با سازمان دهی وسیع امکانات، بسیاری از رفقای هم رزمش را از تیغ ضربات دشمن در امان نگاه داشت. با سمت گیری کارگری در فعالیت سازمان ما و در سال 61 به استقرار در محلات کارگری پرداخت و در سازمان دهی کارگری و توده ای نیز توان و استعداد شایسته ای را از خود نشان داد.

صمیمیت، خلوص و انضباط در فعالیت انقلابی از خصوصیات برجسته رفیق یوسف بود و از این نظر از محبوبیت بسیاری در میان رفقایش برخوردار بود.

رفیق یوسف در اواخر سال 65 به دنبال یک تعقیب و مراقبت گسترده و طولانی، به دام پلیس سیاسی رژیم اسلامی گرفتار شد. او با تحمل یک دوره طولانی شکنجه وحشیانه دشمن، بدون آن که مزدوران رژیم بتوانند اراده آهنینش را درهم بشکنند، با لبی خاموش و سینه ای مملو از اطلاعات تشکیلاتی در شهریور ماه سال 67 به جوخه های اعدام سپرده شد. رفیق یوسف با قامتی افراشته و سرفراز همراه با هزاران انقلابی و کمونیست به شهادت رسید، اما یاد او همواره در قلب ما زنده است. یادش گرامی.